هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قران کریم

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ پانزدهم ۲۵ سرطان ۱۳۹۰ ۱٤ شعبان المعظم ۱٤۳۲ - 16 July 2011

سرمقاله

«مجاهدین صلح سالار اند»

ص۲

سفر وزیر دفاع امریکا به افغانستان

ص۳

سوال نجات از بحران در کشور، همه را گیچ کرده است

سید عنایت الله شاداب/استاد دانشگاه کابل

به یقین جهان در برههٔ کنونی از تأریخ خود، با بحران های بیشتر از پیش در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دست و پنجه نرم کرده و خیزش ها و قیام های جهان عرب در آسیا و افریقا با شعار نو و اداء نو، کشورهای بحران آفرین را به چالش گرفته اند و چراغ های سرخ بحران در خانه های امن آنان نیز به چشمک زنی آغاز کرده است.

اما کشورما افغانستان به جرم مبارزه برای آزادی و دفاع از افتخارات و استقلال و هویت تاریخی خویش در چند دههٔ گذشته از یک طرف تختهٔ مشقی برای به تجربه گرفتن نظام های مورد پسند ابر قدرت ها و از جانب دیگر هم همسایه های این کشور در ایجاد محورهای بحران از هیچ تلاشی دریغ نکردند.

بدون شک انگیزهٔ این همه تلاش هاهم بر می گردد به مقوله هایی که در فرهنگ روابط بین المللی تاریخ معاصر از آن ها به نام منافع ملی تعبیر می شود.

دامنهٔ منافع ملی هم متناسب به قدرت اقتصادی و نظامی و سیاسی دولت ها وسعت پیدا نموده و هر کشوری متناسب به قدرت خود، منافع ملی اش را چوکات بندی می کند.

برنبیاد آنچه گفته آمد، کشورهای ضعیف همواره قربانی بحران های می باشند که از طرف قدرت هایی بزرگ سیاسی و اقتصادی در سطح منطقه و جهان ایجاد گردیده و کشورهای ضعیف و ناتوان در آتش آن می سوزند و نجات ازین گونه بحران هم بسته به آگاهی رهبری کشور درگیر بحران است که چطور می تواند خود را از درد و رنج آن در امان نگه دارد.

و اما سوال نجات از بحران در پیوند به نیروهای داخلی در افغانستان سوالی است که باید آن را با توجه به نکته های ذیل مورد کاوش و کند و کاو قرار داد:

اول- ترکیب ملی این کشور را که از اقوام مختلف تشکیل گردیده است چنان مورد استفاده سوء در سطح ص۲

پیام تسلیت استاد برهان الدین ربانی به مناسبت شهادت احمد ولی کرزی رئیس شورای ولایتی قندهار



بار دیگر دست دشمنان وطن و مردم یکی دیگر از فرزندان وطن، احمد ولی کرزی رئیس شورای ولایتی قندهار را به خون نشاند.

شهید احمد ولی کرزی یکی از عناصر مهمی بود که افغانستان در صلح وامنیت وآبادی وتوسعه به آنان به ویژه در شرایط کنونی بسیار نیاز مند بود.

من ضمن این که قتل ناجوانمردانهٔ احمد ولی کرزی را به شدت محکوم می کنم به رئیس جمهور آقای کرزی و تمامی اعضای خانواده ایشان تسلیت و تعزیت می گویم و جایگاه او را از خداوند تبارک و تعالی در بهشت برین می خواهم.

باز گشت همه به سوی خداست

افزایش نفوس در جهان و افغانستان



پیآمدها - چالش ها

ص۶

به مناسبت ۲٦ سرطان، سالروز به قدرت رسیدن سردار محمد داوود

دموکراسی و داوود خان



ما در حالی بسر می بریم که قانون بر کشور حاکم است. این قانون متکی بر اساسات دموکراسی برخاسته از اسلام است. تمام آزادی های فردی وجود دارد و مردم افغانستان می توانند حرف های دل خود را با جرأت و اطمینان بگویند، بنویسند و از راه وسایل ارتباط جمعی به گوش هموطنان و جهانیان برسانند...

در این فضای دموکراسی و آزادی ها، برخی در تلاش اند تا از چهره های مستبد و دیکتاتور تاریخ افغانستان، قهرمان بسازند و این دیکتاتور های بی رحم چون داوودخان، تره کی، امین، ببرک و نجیب را در فضای دموکراسی و آزادی، بزرگ و برجسته معرفی کنند!!

عجیب است از تفکر و قضاوت طرفداران دموکراسی که دیکتاتورها را مدح می کنند و با استفاده از فضای دموکراسی به مدح دیکتاتورها می پردازند!!

یک مطالعهٔ کوتاه از تاریخ جدید افغانستان و در مقایسه با دو نظام شاهی مشروطه و رژیم داوود خان، یک بار دیگر نظر افگنیم:

۱- قانون اساسی ۱۳۴۳ هجری شمسی، افغانستان را دارای شاهی مشروطه اعلام کرده بود که اصول اساسی دموکراسی را به رسمیت شناخته بود. آزادی بیان، آزادی مطبوعات، برگزاری تظاهرات و حتی ص۷

پروندهٔ انتخابات نه تنها بسته نشد، بلکه صفحهٔ نو باز نمود



واقف حکیمی:

حکم محکمهٔ ابتدائیه برمبنای مستندات قوی استوار است و در دورهٔ استیناف خواهی از قطعیت حکم برخوردار می گردد.



فوزیه کوفی:

هر وکیل نمایندگی از مردم می کند و عزل و نصب وکیل بستگی بر ارادهٔ مردم دارد، نه حکومت و نهادهای عدلی قضایی

ص۷

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل چوک دهمزنگ به استقامت سرک دارالامان، دست چپ نرسیده به هوتل کابل شاهان
شمارهٔ تلفن: ۰۷۸۸٤۰۸٦۳۵ / ۰۷۷۲۰۳٦٤۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

«مجاهدین صلح سالار اند»

مجاهدین این فرزندان صادق میهن، در دوران جهاد و مقاومت شایستگی های در خور وصف و افتخار آفرینی از خود نشان دادند. همین ها بودند که توانستند با نیروی ایمان و ایثار و فداکاری بی دریغ شان اتحاد شوروی سابق را از پا در آوردند و با اختاپوت تروریزم دست و پنجه نرم کردند. دوران جهاد مقدس مردم ما صفحهٔ زرینی از تاریخ مبارزات شکوهمند ملت ما و جهان اسلام محسوب می گردد. این که بعد از پیروزی مباهات آفرین، دست های غرض آلودی خواستند تا برای کاهش میزان شکوه و عظمت آن دست به کار شوند، موضوع بحث دیگری است. این طبیعت انقلاب هاست که پس از پیروزی، در جریان و یا بعد از پیروزی قیام های مردمی، دست های مغرض و دشمنان خود را به نام های مختلف جا می زنند و یا از جانب برخی دولت ها شامل پروسه ای ساخته می شوند تا در کوتاه مدت و دراز مدت دستآوردهای مقاومتگران را کمرنگ جلوه داده، سبوتاژ نمایند و یاهم به بیراهه سوق دهند.

طوری که همه شاهد ایم، در کشورما بعد از پیروزی مجاهدین و تشکیل دولت اسلامی، چهره های در دولت و کرسی های مهم گماشته شدند که تمام برنامه و تلاش شان علیه مجاهدین و دستآوردهای جهاد و مقاومت بود. گاهی این دلیر مردان را جنگ سالار و زمانی هم ناقض حقوق بشر و حتی برخی بی شخصیت ها، مجاهدان را دزد و راهزن و آدمکش و ویرانگر خطاب کردند!!!

از آنجایی که قیام مجاهدین به خاطر محو فساد و رذیلت، دفع تجاوز بیگانگان و تأمین امنیت و آوردن صلح در کشور بود، بناءً آن جنگ به خاطر جنگ نه بلکه، جنگ و مبارزه به خاطر آوردن صلح بود تا پایه های صلح تحکیم یابد و مردم ما همه باهم در زیر یک چتر بتوانند در فضای آرام و بدون تشویش حیات بسر برند.

دست های مرئی و نامرئی جهت مجاهد ستیزی تا حدی کارگر افتاد که در بخش های دفاعی و امنیتی کشور علی الرغم تجربیات وافر و کارآ نیز به بهانهٔ غیر مسلکی بودن و نبود تحصیلات و ترفندهای تراشیده شدهٔ دیگری، از وظیفه سبکدوش کردند!!

اما در دراز مدت و بعد از گذشت یک دهه، که وضعیت امنیتی در کشور رو به وخامت گرائید و هر روز را از روز بیشتر بدتر می بینیم، آن قصه های مُفت فروکش کرده. به موجودیت مجاهدین تجربه دار و برخوردار از امکانات خصوصی جداً نیاز است. هم اکنون رهبری جهاد و مقاومت در رأس کمیسیون عالی صلح قرار دارد اگر واقعبینانه بررسی شود دست آوردهای زیاد داشته و امیدهای بیشتری به این شوری دوخته شده است تا صلح و امنیت در کشور تأمین گردد.

چنانچه هفتهٔ گذشته جناب استاد در دیدار جمعی از اعضای جمعیت ضمن این که، ادعای آنانی را که مجاهدین را جنگ سالار خطاب می کردند نکوهش کرد و آن را از روی کینه و عداوت و ناشی از خبث باطن یک مشت جهاد ستیز خوانده گفت که، حال « مجاهدین جنگ سالار نه بلکه صلح سالار اند». همچنان استاد ضمن رهنمودهای دیگری که برای تعدادی از اعضای جمعیت داشتند، از یکی از شخصیت های هلمند نقل قول کرد که گفته است، ولسوالی مارجه در هلمند از جمله واحدهای اداری کشور است که در ناامنی شهره است. طوری که دیده شد نیروهای خارجی با وصف داشتن امکانات بیش از حد و چشمگیر بیشترین صدمه را در آنجا دیده اند، اما مدتی می شود که تعدادی از مجاهدین مسوولیت تأمین امنیت را در مارجه به دست گرفته اند که در نتیجه، آن جای ناامن به امن تبدیل شده است. در جایی که از طرف روز حتی نیروهای امنیتی از یک پایگاه به دیگری بدون تلفات عبور نمی توانستند، حال شب و روز بدون هراس گشت و گذار می نمایند و باشندگان آن مناطق نیز در فضای امن و فارغ از تشویش به فعالیت های روزمرهٔ شان می پردازند و این امید و مایهٔ خشنودی است، باید از استعداد مجاهدین استفادهٔ بهینه شود و نامردان از برچسپ های ناچسپ در برابر آن ها جداً احتراز نموده، بل بر عکس بر آن ها حرمت قایل شوند.

در حالی که در جریان پروسهٔ انتقال مسوولیت امنیتی از نیروهای خارجی به نیروهای کشور قرار داریم و جهان بدین باور است که به صورت تدریجی تا سال ۲۰۱٤ نیروهای شان را خارج نمایند. بر دولت افغانستان است تا مجاهدان را پاس دارد و در تأمین امنیت در چارچوب بخش های دفاعی و امنیتی جهت دفاع از استقلال، آزادی و تمامیت ارضی کشور آمادهٔ خدمت گردند.

معمای به شهادت رسیدن احمد ولی کرزی رئیس شورای ولایتی قندهار

وحید مژده



روز سه شنبه ۱۲ جولای احمد ولی کرزی کوچکترین برادر رئیس جمهور کرزی و بزرگ قوم پوپلزائی به دست فرماندهٔ محافظانش در قندهار به ضرب گلوله از پا درآمد. قاتل نیز از سوی محافظان مسلح کشته شد.

کسی که احمدولی را به قتل رسانید از افراد مورد اعتماد وی و از اقوام خودش بود. هرچند طالبان مسلح مسوولیت این قتل را به عهده گرفتند، اما در این رابطه ابهامات فراوان وجود دارد که نقش طالبان در این جریان را با شک و تردید مواجه می سازد.

نخست اینکه، این عمل با شیوهٔ معمول طالبان کاملاً متفاوت بود. اگر طالبان شخصی را با چنین توانمندی در اختیار داشتند، می توانستند از وی در فرصت مساعد تر و برای دست آورد بسیار بزرگتر استفاده نمایند. مثلاً عملیات انتحاری در اجتماعی بزرگتر که حتی رئیس جمهور، فرمانده نیروهای ناتو و سفیر امریکا هم در آن حضور می داشت.

نکتهٔ دیگری که دست داشتن طالبان را در این رابطه به شک مواجه می سازد اینست که، قاتل با توجه به اعتمادی که بر وی وجود داشت می توانست این قتل را به وسیلهٔ بمب گذاری و با استفاده از وسایل کنترول از راه دور انجام دهد که معمولاً طالبان از آن استفاده می کنند. به این ترتیب امکان زنده ماندن قاتل وجود داشت.

طالبان نه تنها افراد مهم حکومت بلکه اطرافیان و اعضای خانواده های شان و محافظین شان را نیز واجب القتل می دانند. اینکه قاتل با استفاده از تفنگچه فقط یک نفر را می کشد و دراین ماجرا به هیچکس دیگر صدمه نمی رساند، مشخص است که او فقط با همین یکنفر مشکل داشته است. عکس العمل طالبان کمی بعد از این واقعه هم نشان از بی اطلاعی آنان از این ماجرا داشت. اندکی بعد از انتشار خبر کشته شدن احمدولی کرزی، طالبان از طریق پیام تیلفونی به خبرگزاری ها خبر دادند که آنها دست به این کار زده اند. اما برخلاف معمول، نامی از قاتل و اینکه او از کجاست، نبردند. در خبری که در سایت انترنتی طالبان به نشر سپردند ص۵

سوال نجات از بحران در کشور...

ادامه از صفحهٔ اول

منطقه و جهان قرار گرفته است که هر قوم و قبیله ای خود را به حیث یک جزیرهٔ جدا و منفصل از سایر اقوام این سرزمین تصور نموده و پیروزی خویش را آنگاه لمس می کند که حرفی و یا حرکتی را درین راستا به زبان آورده و یا گامی در جهت آن برداشته باشد.

از جانب دیگر افراد و گروه هایی که در سطوح مختلف اجتماعی و سیاسی این کشور مطرح گردیده اند بدون آن که دوره های مختلف رشد و تکامل آگاهی از زندگی تکاملی ملت ها را در عرصه های مختلف طی کرده باشند ناگهان خود را در مقام هایی می یابند که فکر می کنند روابط پیچیدهٔ جهان را همه آن ها می دانند. قانون و زندگی در چهارچوب قانون را آن ها به ملت خود هدیه آورده اند و در چنان هالهٔ از خود باوری کاذب قرار گرفته اند که نمی دانند کی هستند و چه می گویند و احاد ملت نسبت به آن ها و کردار و گفتار آنان چه قضاوتی دارند؟

آنچه امروز از افراد و گروه های نو ظهوری که فکر می کنند به بلوغ سیاسی رسیده و برای ملت کار می کنند اکثراً گفتار و کردار شان در راستای تأمین منافع خویش و وابستگان و گروه اتنیکی آن ها حرکت می کند و بس.

دوم- عدم آگاهی این افراد و گروه ها از تاریخ ملت های درگیر بحران است که چطور توانستند خویشتن را از بحران حاکم بر کشورشان نجات دهند.

آری! عوامل یاد شده سبب گردیده است که ملت ما همچنان در گیر بحران بوده و باگذشت هر روز دامنهٔ آن وسیعتر و آتش آن شعله و رتر گردد. بحران کنونی حاکم در کشور که از قوای ثلاثهٔ کشور گرفته تا ادارات مستقل در دولت همه را فرگرفته است از آنجا آبیاری می شود که حرف همه در استقامت منافع شخصی و گروهی و حفظ آن است، نه در راستای تأمین منافع ملی که بحث از آن در نهادهای تقنینی و قضایی و اجرائی این کشور از دائرهٔ کلمات تجاوز نکرد و ای بسا که منافع ملی قربانی رابطه های منفی و موضعگیری سیاسی هر نهادی گردید.

امروز کشمکش هایی میان قوهٔ مقننه و اجرائیه و قضائیه در امر تقلب در انتخابات ولسی جرگه، قانون اساسی را در موضع آن متن ساکتی قرار داده است که هر کس از ین نمد برای خود کلاهی تیار می کند.

در این جاست که نباید اهلیت اشخاص را نسبت به نهادی که خود را به آن منسوب می داند، از نظر دور داشت.

خنده آور تر از همه این که، همهٔ این اشخاص که خود را به نهادی منسوب می شمارند، از آدرس ملت و به نام آن حرف می زنند. آیا در چنین حال و هوای حاکم بر کشور، می توان پاسخ به پرسش چگونگی نجات از این بحران را ارائه کرد.

و آیا با چنین موضعگیری هایی خود محورانه در کشور، می توان چشم امید به طلوع افق جدید در زندگی کشور داشت؟

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین حائل
کجادانند حال ما سبکباران ساحل ها

ابوبکر سبزوار

سفر وزیر دفاع امریکا به افغانستان

لیون پنتا وزیر دفاع جدید ایالات متحدهٔ امریکا در هفتهٔ گذشته سفر غیرمترقبه به افغانستان داشت. وی در این سفر از سربازان این کشور در افغانستان دیدار کرد و در مورد پروسهٔ انتقال مسوولیت های امنیتی به نیروهای افغان با مقامات وزارت دفاع کشور تبادل نظر نمود.

پنتا در مورد روابط میان افغانستان و ایالات متحدهٔ امریکا گفت که کمک و همکاری امریکا با افغانستان طولانی مدت خواهد بود و امریکا اجازه نخواهد داد تا این کشور دوباره به مرکزی برای تروریسم جهانی مبدل گردد.

وی از رئیس جمهور کرزی خواست تا در صورتی که شکایتی از عملکرد نیروهای خارجی دارد آنرا به صورت خصوصی با مقامات خارجی مطرح سازد و از بیان مسایلی که می تواند به روابط دو کشور صدمه وارد آورد در حضور رسانه ها و مردم خودداری ورزد.

دنیای عجیبی است که در آن حدود مشروع آزادی ها را قدرتمندان تعیین می کنند. اگر کسی کفر بگوید و علیه دین دست به تبلیغ بزند و در نتیجه دستگیر شود، داد و فریاد حامیان حقوق بشر و هواداران آزادی بیان گوش فلک را کر می کند که یاایهاناس! بنگرید که چگونه آزادی بیان زیر پا می شود ولی اگر رئیس جمهور به نیروهای خارجی می گوید که دست از کشتار غیرنظامیان بردارید، می گویند که باید این سخنان در حضور اصحاب رسانه ها گفته نشود زیرا به روابط حسنه میان دو کشور را به چالش می کشد! پس معنی آزادی بیان چیست؟ کسی که در غرب به قرآن و مقدسات مسلمان توهین کند از آزادی بیان استفاده می کند هرچند این کار به روابط میان مسلمانان و دنیای غرب صدمه بزند جای نگرانی نیست. اما اگر رئیس جمهور یک کشور مسلمان بر جنایات امریکا اعتراض کند، به این دلیل که بر روابط میان دوکشور صدمه می زند، باید یا خاموش باشد و یا اعتراض خود را در خفا به گوش امریکایی ها برساند.



لیون پنتا که قبلا در مقام رئیس سازمان سیا ایفای وظیفه نموده است، به صراحت لهجه مشهور است و به همین دلیل گفته می شود که شاید روابط وی با رئیس جمهور کرزی در آینده زیاد حسنه نباشد اما خوشبختانه ما وزیر دفاعی داریم که حتی در صورت حملهٔ خارجی هم تندخوئی را با نرمی پاسخ می دهد و می تواند به قول خارجی ها "بیلانس" را برقرار نگهدارد و تعادل را حفظ کند.

پنتا مانند سلف خویش در مورد تجهیز و آماده ساختن نیروهای نظامی افغان تا سال ۲۰۱۴ سخن گفت تا نیروهای افغان در آن زمان از آمادگی لازم برای دفاع از کشور و سرحدات برخوردار گردد این در حالیست که در مجلس سنای امریکا در مورد میزان بودجهٔ اختصاص داده شده به افغانستان اعتراضاتی وجود دارد. با کشته شدن اسامه بن لادن در پاکستان، جنگ افغانستان روز بروز هواداران خود را در امریکا و اروپا از دست می دهد و این نظریه قوت بیشتر کسب می کند که وقتی با اطلاعات دقیق و با مصارف کم بتوان یک دشمن امریکا را در اقصا نقاط جهان از بین برد، پس لزومی به فرستادن نیروی بزرگ نیست. آیا تقرر لیون پنتا که قبلا در مقام ریاست سیا ایفای وظیفه نموده است به مقام وزارت دفاع به منظور توجه بیشتر به عملیات استخباراتی به جای عملیات زمانگیر و پرخرج نظامی نیست؟ به نظر می رسد که از این به بعد به جنبهٔ استخباراتی جنگ توجه بیشتر خواهد شد و از حالت کلاسیک خارج خواهد گردید.

همزمان با سفر وزیر دفاع امریکا به کابل، هیئتی هم از امریکا به کابل آمد تا در مورد قرار استراتژیک با افغانستان با مقامات افغان مذاکره نماید. مسودهٔ این قرارداد را رئیس جمهور با مسوولیت خود و در مشوره با بعضی از مشاورین خاص ترتیب نموده و به امریکائی ها سپرده است که مردم افغانستان از متن آن اطلاعی ندارند. هیئتی که از هیئت امریکائی در مورد بعضی مطالب همین مسودهٔ قرارداد با مقامات افغان صحبت نمود و شاید از آنان در موارد ابهام مطالب این مسوده جویای وضاحت شد. قرار است متن این قرارداد تا پایان ماه رمضان نهائی گردد و لویه جرگهٔ عنعنوی برای مشوره در مورد آن فراخوانده شود.

راستی این لویه جرگهٔ عنعنوی چه موجودی است؟ جرگه ای است که اگر اعضایش مخالف با پایگاه های دایمی امریکا در افغانستان باشند، در آن صورت فیصله هایش جنبهٔ مشورتی خواهد داشت و رئیس جمهور در مورد این پیمان خودش تصمیم می گیرد. اما اگر اعضایش به پایگاه ها رای موافق بدهند، در آن صورت یک فیصلهٔ مردمی خواهد بود و تصمیم مورد اتفاق همه مردم افغانستان! در این میان پارلمان چه نقشی خواهد داشت؟ عده ای از اعضای پارلمان که با حضور دایمی امریکا در افغانستان موافق اند، در این جرگه سهم خواهند گرفت تا نسل های آیندهٔ کشور ما مانند نسل امروز چاپانی ها، کوریائی ها، آلمانی ها و... که زهر تلخ حضور دایمی امریکا در کشور شانرا هر روز در کام خویش احساس می کنند، فردا دولتمردان امروز را نفرین نکنند و نگویند که جایت در جهنم باد فلانی خان که به خاطر چند روز قدرت، ذلت ابدی را برای این ملت به ارمغان آوردی! یک معاملهٔ خصوصی باید ظاهر یک تصمیم ملی را به خود بگیرد تا یک خیانت بزرگ تاریخی در میان یک جمع بزرگتر تقسیم گردد و به درستی تشخیص نگردد که چه کسی مرتکب آن مرتکب شد!

سیری در ادیان رایج جهان

(سید احمد اشرفی)

کتابهای مقدس بودایی:

بعضی از سخنرانی ها، اندرزها و تعالیم بودا را شاگردان و پیروانش تا چند قرن پس از مرگ وی سینه به سینه نقل می کردند، تا آنکه در سال های میان ۸۰ الی ۲۰ قبل از میلاد آن ها را در کتابی گرد آوردند، و آن را کتاب مقدس آیین خود دانستند.

این کتاب را در زبان سانسکریت **پیتاکا** یعنی سبد یا زنبیل می گویند و مشتمل بر سه دفتر به قرار زیر است:

۱- سوتا پیتاکا، یعنی سبد حکایات.

۲- ویناپیتاکا، یعنی سبد طریقت.

۳- ابهید هاما پتیاکا، یعنی سبد شریعت.

این دفتر ها بطور مجموع مراسم و تعالیم و عقائد و قواعد رهبانیت آیین بودایی را بیان می دارد.

دفتر اول، خود دارای قسمت های مختلفی است که یکی از آنها به نام **کودکانیکایا** شناخته می شود. معروف ترین مجموعهٔ آن قسمت سلسله اشعاری است به نام **دمغاپادا** یعنی راه حق که به گفتهٔ بودائیان سرودهٔ خود بودا ست. این مجموعهٔ شعری- فلسفی، به طور جداگانه منتشر گردیده، در میان آثار بودایی، از شهرت و اهمیت در جه اول بر خوردار می باشد.

دانشمند وادیب ایرانی رضاعلوی، ترجمهٔ شیرینی از آن به زبان فارسی ارایه داده که اینک چند قطعه از آن را غرض اکمال معلومات در اینجا بر می گزینیم.

گزیده ای از سخنان بودا:

هوشیاری راه جاویدانگی است و غفلت راه مرگ. غافلان گوئی که مرده اند.

خردمندان روشن و دانا برآن (هوشیاری) شادند به هوشیاری، و شاد به جهان اصیلان(آریاها).

آنانکه تعمق می کنند وبا پشتکارند، استوار وکوشا، به نیروانا می رسند، به سرحد اعلای رستگاری.

فخرش فزونی یافت آنکس که برخاست وخاطرجمع وکردار پاک کرد و قدم با پروا برداشت و نفس خود را مهار کرد و به تقوا زیست و هوشیار ماند.

به غفلت تن در ندهید و دوری کنید از کام دل، لذت و آمیزش با دیگران که هوشیار با خاطرجمع به شادی فراوان دست یافت.

عاقلان غفلت را با هوشیاری دور کردند و رسیدند بر فراز قلهٔ بلند معرفت و فارغ از غم نگریستند بر مردم غرقه در غم، گویی که پای بر قله ها نظاره می کنند ساده لوحان را بر زمین.

(پایان بخش بودا)

پاکستان د بیلا بیلو گوابنونو په وړاندې

شفیق



لـه دوه وو اونیو راهیسې د پاکستان د سند آیالت د کراچۍ په ښار کې د مهاجرینود قومي اتحاد او ملي عوامی اتحاد ترمینځه د یو بل د افرادو د وژلو لړۍ د کراچۍ امنیتي وضع په تیره اونۍ کې ډیره خرابه کړه.

کراچۍ چې د ګاونډي هیواد پاکستان له تولو څخه ډیر نفوسه ښار او سوداګریز مرکز دی او د امنیتي وضعې خرابوالی یې ددغه هیواد په اقتصاد هم آغیز پریږدي، د دوه وو اونیو راهیسې د پښتنو د یو ګوند ((ملي عوامی اتحاد)) او په پاکستان د هندي مهاجرینو قومی اتحاد (چې له هیواده جلا وطن الطاف حسین یې مشري کوي) د منسوبینو او پلویانو ترمینځه د پټ پټوني عملیات روان دي چې ددغه پرله پسې انتقامي وژنو په نتیجه کې د وژل شوو شمیر (۹۴) تنو او د ټپیانو شمیر یې (۲۲۲) تنو ته رسیدلی دی. او د نا امنیو ددغو پیښو لامله پکې له یوې خواد د خلکو ژوند له ګواښونو سره مخ شویدی او له بلې خوا پکې سوداګري هم ټکنی شویده چې د پاکستان دولت لپاره په قبایلي سیمو کې د ترهګرۍ پرخلاف د عملیاتو لامله رامینځته شوې ناامنیو وروسته، یو بل ګواښ دی.

هسې خو د کراچۍ په ښار کې پخوا هم د سیاسي ګوندونو ترمینځه د رقابت او د یو بل د افرادو د ترورکولو پیښې ترسره کیدې: لکه د همدې پیښو څخه څو میاشتې مخکې د خلکو د ګوند (پیپلز ګوند) او د مهاجرینو د قومي اتحاد ترمینځه هم خینې جړپونه رامینځته شوی وو خو دغه اوسنی وژنې او نا امنی هغو نا امنیو ته ورته دي چې

۶مخ

حافظ شیرازی و قرآن



دستگیر نایل

طوریکه می دانیم، همه مردم، با نام خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی، آشنااستند.کلیات اشعار آسما نی خواجهء شیراز زینت بخش رواق خا نهء هر مسلمان وفارسی زبانان جهان می باشد .این افتخار را،کتابهای گلستان وبوستان شیخ اجل سعدی،ومثنوی معنوی نیز دارند.

رسم است که،گوش های فرزند هر مسلمان ،پس از زمان تولد در هر کجای دنیاکه باشد،با واژه های توحید واذان عشق،آشنا می شوند.وهرفرد مسلمان، یک یاچند آیه ای ازقرآن را برای اجرای عبادات،پیش ازانکه انرا درک معنی نمایند ،در ذهن خود حفظ دارند.اما جا لب اینست که کتاب خدا،(قرآن) را مردم باهفت پوش در تا قهای بلند به عنوان تبرک، می گذارند . اما کمتر کسان دیده شده است که شبی یا سحر گاهی آن را باز نموده،آیتی ویا سوره ای رابخوانند.جز اهل تقوا و پرهیز گاران و شب زنده داران که پیوسته کار شان با خواندن قران و دعا ها و اوراد است.دلیل آن شاید این با شد که مردم عام ، با خطوط قرآن و درک معانی آن آشنا نیستند.و جامعهء روحانیت وعلمای دینی هم کمتر توجه و یا هیچ توجه به این امر، نکرده اند که عا مه ء مردم، قرآن و معانی آنرا درک و فهم کنند.تا عده ء محدودی به نام روحا نی، مورد احترام بما نند و اکثریت عظیم جا معه را صغیران مذهبی تشکیل بدهند.لکن هیچ جوان مدرسه رفته و شا گرد مکتب خوا نده وآدم با سوادی وجود ندارد که با نام حا فظ و اشعار دلکش او آشنا نبا شد و بیتی یا غزلی از حا فظ را، از یاد ندا شته با شد.اشعار حا فظ سرا پا حکمت،عشق ،جذ به، شوق،عرفان و زیبایی بینظیر کلا می و شاعرانه است.

افزود بر آنچه گفته آمد،حا فظ، قرآن را نیکو میدانسته ،صدایی دلنشین داشته و بقول خودش، قرآن را با چهارده روایت،می خوانده است:

« عشقت رسد به فریاد،ار خود بسان حافظ
قرآن، ز بر بخوانی، با چهارده، روا یت»

« ندیدم خوشتر از شعر تو حافظ
به قرآنی که اندر سینه، داری »

« قرآن»، درلغت از ریشهء قرء گرفته شده و قرء به زبان عربی، بمعنی جمع کردن، وفراهم آوردن است.و بمعنی خواندن هم آمده است.که بایست در خواندن آن،همه نشانه ها ی حروف ومفاهیم و واژه ها را در ذهن خود، فراهم آوریم.تا درک معنی کنیم.خواندن،نه بمعنای از روی خواندن،بلکه خواندن رمز وفهمیدن سر آیات و امثال قرآن از روی نشا نه های حرفی وکلامی است. در اشعار حافظ هم،خواندن بمعنای کشف وفهمیدن سر حقیقت آمده است»:(۱)

« عاشق شو، ارنه روزی، کار جهان سر آید
نا خوانده نقش مقصود، از کار گاه هستی»

این معنی،در نخستین سوره ای که به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و سلم) نازل شده هم آمده است. (اقراء باسم ربک الذی خلق) آن بیت بالای حافظ نیزهمین معنی را می رساند. خواندن(نقش مقصود ازکار گاه هستی) ،همان پدیده ها ونشانه هایی اند که خدا وند در کار گاه خلقت آفریده است و از آن طریق، میتوان او را بدرستی شناخت.

درک معانی اشعار حا فظ ،آنقدرساده وبی تکلف هم نیست.زیرا خود او برای درک معانی سخنان خود رمزی و کلیدی قایل شده است.که تا انرا بد ست نیاریم، ازفهم آن عاجز می مانیم.آن رمز و کلید،« کرامت نفس» انسان است.حافظ، سخن خود را از اغیار و بیگا نگان، پنهان می کند.این اغیار و بیگا نگان،زاهدان ریا کار،شیخ گمراه، نا محرم راز، خود نا شناس و خدا نا شنا سان اند،همان شحنه و محتسب اند:

« من این حروف نوشتم، چنا نکه « غیر» نداند
تو هم زروی « کرامت» چنان بخوان،که توانی»

***

« رازی که بر « غیر» نگفتیم و نگوییم
با دوست بگوییم که او، محرم راز است»

خواجهء شیراز به رغم اندیشه های غرض ورزان،به قرآن، الفت وعشق فراوان داشته است.همه کرا مت نفس، تقوا سلا متی روح و بدن خود، و سحر خیزی و عبادات خود را حاصل عشق واز دولت قرآن، دانسته است.:

قدر مجموعهء گل ، مرغ سحر داند وبس
که نه هرکو ورقی خواند، معا نی دانست »

مرغ سحر،همان عابد سحر خیز،همان عارف روشندل وهمان عاشق جان باخته است.:

« صبح خیزی وسلامت طلبی چون حافظ
هرچه کردم، همه از دولت قرآن کردم»

چون حا فظ، عارف است« واهل معرفت ، قرآن را تنها به نشانه های حرفی و قرار دادی ان محدود نمی کند.، بلکه آنرا لوح وجود آدمی میداند که خدا وند، نشانه هایش را در آن ثبت کرده تا مگر آدمی، انرا به عشق وکرامت،بخواند؛ و بلکه خدا را بشناسد وآن، کتاب خود شنا سی است.در آیه چهاردهم سورهء بنی اسراییل آمده است:(إقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیباً) یعنی: « بخوان کتاب خودت راکه بنفس تو کفایت میکند.انروز بر توهمان حساب میشود» (۲)

راز و رمز سخن حا فظ را زاهدان ریا کار فهم نمیکنند.آنها، دیو صفت اند که با پاکان، سر دشمنی دارند.لذا مردمی که قرآن می خوانند آنها بیکه رند وخراباتی اند، زاهدان را با انها کاری نیست.:

« زاهد،ار رندی حا فظ نکند فهم ،چه شد؟
د یو بگر یزد از آن قوم، که قرآن خوانند»

حافظ خودش تاکید میکند که حافظ قرآن هم بوده است وهیچکس مانند او،نکات لطیف وحکمت های قران را جمع نکرده است:

« زحا فظان جهان، کس چو بنده، جمع نکرد
لطایف حکمی، با نکا ت قرآ نی»

قرآن خواندن برای حا فظ، وتظاهر به عبادات ،دام تذویر،وسیله ی فریب کاری ودربند کشیدن مردم عامه نیست که از قران چیزی نمی دانند"

«حافظامی خورو رندی کن وخوش باش ولی
دام تذ ویر مکن، چون دگران ، قرآن را »

(دگران)، پرنده ایست خوش الحان که با صدای د لفریب خود، دیگر پرنده گان را برای شکار کردن ،فریب می دهد.این زاهدان ریا کار، این شحنه و شیخ، این حا فظان دین فروش نیز مانند همان دگران اند که قرآن را وسیله ای برای کسب منفعت وروزی خود می سازند.

....

(۱): قرآن به تعبیر اهل معرفت_حسین میر مبینی،ره آورد شماره ۵۹ ص ۶
(۲) همانجا صفحه هفت

کاروان معرفت

شادروان استاد حنیف بلخی

باز می آید به گوشم ناله های پر شرر
ناله های درد آگینی که می سوزد جگر
ناله هایی چون سروش آسمانی دل گداز
ناله های آتشین نی نواز باختر
نی نواز کاروان معرفت را ناله اش
همچو آهنگ درا بیدار می سازد سحر
نی نوازی کز لب و ساز او می خیزد نوا
از لب نا گفتنی ها فاش می گردد خبر
نی نوازی سینه او شرحه شرحه از فراق
نه اشتیاق مبدأ فیاض بودش دیده تر
نی نواز معنوی کو عاشق عطار بود
پیش از آن که هفت شهرعشق گرددپی سپر
بلخ بامی ای تجلیگاه عشق و معرفت
قبهٔ الاسلام ای ملک کهن این مهد فر
گرچه برج و باره و وان کاخ های عهد تو
از هجوم حادثات دهر شد زیر و زبر
لیک اندر صحنهٔ معنا و چشم اهل دل
در نگاه و پیشگاه مردمان حق نگر
تا هنوز ای مهد مینو زنده و فرخنده ای
نخل بستان تو باشد باسق و هم بارور
از بر هرسنگ تو ژولیدهٔ آتش نفس
سر بجنباند که اینک آیت عشق دگر
از خم هر گوچهٔ تو آفتابی سرکشد
در سر هر راه تو عرفان پناهی راهبر
تا هنوزت خضرویه خضر راه معرفت
تاهنوزست دادگستر بومطیع دادگر
تا هنوزست پیشوای معرفت شیخ شقیق
بزم وجد و سوز و معنا را همی بخشد اثر
تا هنوزست پارسایانی به دورت حلقه زن
ژنده پوشان مهین و عاشقان خوش سیر
تا هنوز آن کودک حلوا فروش با ادب
در جوار دیگ بخشایش نماید گریه سر
تا هنوزست رابعه مدح ترا رنگین کند
دختر خونین کفن آتش زبان نامور
تاهنوزست عنصری در شهر محمود کبیر
می نویسد مدح والای ترا با مشک تر
تاهنوزست وصف نیکوی ترا با درد و سوز
می کند با تر زبانی انوری پر هنر
تا هنوزست باغ تو رشک گلستان اِرم
نو بهارت لاله های آتشین دارد به بر
سنبل تو تا هنوز اندر پی صد پیچ و تاب
همچو گیسوی نگار عشوه ساز سیمبر
نرگس فتان تو سحر آفرین و فتنه ریز
هچو چشم سحر ساز نیمخواب فتنه گر
مرز تو مینو بهار و خاک تو مشکین غبار
کوی توگردون شکوه وکاخ توگردون گذر
آستان قدس تو خلوتگه ارباب دل
مرکز شوریدگان و مأمن اهل نظر
آیتی زین به چه باشد این که آمد بهر تو
کاروان وجد و حال از قونیه تا باختر
قونیه آن بوسه گاه آفتاب خاوری
مظهر آیات دل آن بلدهٔ با زیب و فر
قونیه آن شهر عشق و مهبط فیض و کرم
منبع الهام و مولانای بلخی را مقر
کاروانی با نوای نی نواز معنوی
آمده با شور و مستی جانب این بوم و بر
ای خدا تا ناله های نی بود مهر آفرین
تا بود آشفته گان عشق را وجد و اثر
تا بود تابنده مهر خاوری در باختر
تا کند مه نور افشانی بر این کوه و کمر
قله های آلبرز اندر فروغ مهر و مه
در تموز و دی نماید توده های سیم و زر
تا نماید موج خیزی باسوس و هیرمند
تا رود فواره بالا آبشار افتد به سر
تا بود عشق خدایی محرم اسرار دل
تا خرد باشد مثال حلقه این پشت در
تا که آرایش کند انجم رخ چرخ برین
تا که بنماید ثریا چون حمایل از گهر
تا که پروانه به محفل شعله بازی ها کند
تا بریزد شمع پیش پای خود سوسو تر
ملک افغانی و ترکی از حوادث کن نگه
از حنیف ما بود این آرزو شام و سحر

خاطره

مردی با یک گاو

همنوا

نقیب الله از شاگردان ممتاز دوران تحصیل در لیسهٔ روشان ولایت لغمان بود. او در مضامین مختلف سرآمد همه شاگردان بود و استادان و متعلمین گمان داشتند که او یک نابغه است.

گفتیم که در همه مضامین از همه متعلمین ممتاز و برای همه شناخته شده بود ولی در ریاضیات همه اعتراف داشتند که در لغمان یگانهٔ دوران است. در دورهٔ تحصیل در لیسهٔ روشان نیز شاگردان زیادی داشت و اکثر متعلمین حتی از جاهای نسبتاً دور نزد او می آمدند تا درس ها را بیاموزند. من نیز چند بار از معلومات او استفاده برده ام و درس خوانده ام...

از عجایب روز گار که در امتحان کانکور با وجود این همه لیاقت و شایستگی کامیاب نشد و همگان را متحیر و پریشان ساخت...

در امتحان متفرقه به پوهنتون کامیاب شد و به دانشکدهٔ زراعت راه یافت بعد از چندی بورسیه شد و به قاهره رفت، از قاهره بازگشت و زمانی در یکی از موسسات در پشاور ماموریت کم دوامی داشت بالآخره ماموریت را ترک گفت و امروز در کنار قریه و خانهٔ خود با یک گاو درکنار دریا او را دیدم و بحث ها صورت گرفت. از روزگار و کار در ادارات دولتی و موسسات خارجی بیزار بود و از همه مشکلات موجود، صحبت می کرد وضع امروزی خود را ترجیح می داد...

به او گفتم حیف است که از استعداد و لیاقت شما در اداره های حکومتی و یا موسسات، استفاده نشود...

او گفت: فساد اداری همه جا را فرا گرفته ما هر قدر کوشش کنیم و برادران همفکر را هم فراخوانیم، نمی توانیم راه بسته را باز نماییم و راه اصلاح در شرایط حاضر بسیار دشوار و ناممکن است...

کار کردن در ادارات باعث خستگی روز افزون ما می شود و احساس ما را از بین می برد. زندگی در قریه و در کنار دریا و با این گاو به مراتب بهتر از کار در ادارات است!

اما با تعلیم و درس وداع نگفته ام و هنوز شاگردان نزد من می آیند و در حل مشکلات درسی، ایشان را یاری می نمایم....

زندگی امروزی را با فقر و تنگدستی به پیش می برم ولی بسیار آسوده و راحت هستم و هرگز شوق کار به کدام دفتر را ندارم ...

با تأکید از لیاقت و صلاحیت های او یاد آوری کردم و خواهش نمودم تا در روش خود تجدید نظر کند و به حیث یک فرد صالح در اداره کار کند تا باعث اصلاح اداره شود.

ادامه از صفحهٔ دوم

آمده بود که، افراد آنان احمدولی کرزی و امیر لالی را کشته اند و در این عملیات دو نفر از طالبان شرکت داشتند که هردو بعد از اجرای این ماموریت قادر به فرار شدند.

پس اکنون این سوال مطرح است که اگر طالبان این کار را نکرده اند پس چه کسی یا گروهی را باید مقصر دانست؟ مشکلی که در این رابطه وجود دارد اینست که، قاتل خودش نیز کشته شده و این راز را با خود به گور برده است. قاتل مسلح به تفنگچه بود و امکان دستگیر کردنش وجود داشت اما مشخص است که محافظین از آموزش های لازم برخوردار نبودند و مجرم را که در عین حال سند جرم هم به حساب می آمد از بین بردند. در پاکستان زمانی که سلمان تاثیر وزیر اعلای پنجاب به دست محافظش به قتل رسید، محافظین دیگر قاتل را دستگیر کردند و اعترافات قاتل، دلیل قتل را روشن ساخت.

این احتمال که این قتل ناشی از اختلاف شخصی بوده باشد بعید از امکان نیست. اما باید این نکته را نیز از نظر دور نداریم که چنین اختلافی به صورت ناگهانی به وجود نمی آید. با توجه به دقت و وسواسی که احمدولی خان در مورد مسایل امنیتی و حفظ جان خود داشت، اگر اختلاف جدی با این مرد می داشت، حتماً وی را از خود دور می کرد.

کسانی که با احمد ولی از نزدیک آشنا بودند می گویند که، وی تمام شب را در یک اطاق و حتی در یک ساختمان سپری نمی کرد و به همین دلیل چندین ساختمان در کنار هم را برای سکونت در اختیار داشت. او به دقت متوجه مسایل امنیتی بود و شاید به همین دلیل از چندین سوء قصد در گذشته، جان سالم بدر برد. اگر وی ازقبل اختلافی با فرماندهٔ محافظان خود می داشت و این اختلاف جدی می بود، رعایت احتیاط ایجاب می نمود تا وی را از کار برکنار سازد. این احتمال هم وجود دارد که اگر اختلافی هم در میان بوده، با توجه به اعتمادی که بر قاتل وجود داشته زیاد مهم تلقی نشده.

معمای به شهادت رسیدن احمد ولی کرزی رئیس شورای ولایتی قندهار

احمد ولی کرزی قدرتمند ترین شخص در قندهار بود. او در طی ده سال گذشته با امکاناتی که ریاست جمهوری برادرش برایش به ارمغان آورد، ثروت بزرگی به دست آورد. زمانی که گل آقا شیرزی والی قندهار بود، به مصداق این مثل که "دو شاه در یک اقلیم نگنجد" احمد ولی مجبور بود رعایت حال حاجی گل آقا را بنماید و این به معنی محدودیت فعالیت برای احمدولی بود.

می دانیم که مسایل قومی در قندهار بسیار مهم است و شیرزی که خود از قوم بارکزی بود، در مدت ولایت خود، قوم خود را برکشید در حالی که حامدکرزی می خواست مردم در لوی قندهار رهبری قوم پوپلزایی را بپذیرند و پوپلزائی ها سیادت اقوام دیگر را داشته باشند. این مسئله برای خانوادهٔ کرزی به خصوص بعد از به پایان رسیدن دوران ریاست جمهوری حامدکرزی بسیار مهم و حیاتی است تا قدرت محلی را حفظ کنند. "حتی موقف نرم حامدکرزی در برابر پاکستان را هم می توان به آینده نگری او به همان زمان رابطه داد که کویته روی قندهار تاثیر گذار است."

سرانجام رئیس جمهور کرزی حاجی گل آقا را با وجود عدم رضائیت وی به ننگرهار فرستاد و از آن به بعد احمد ولی خان به عنوان رئیس قوم پوپلزائی، حاکم قندهار شد. به حدی که هر والی که به این ولایت فرستاده می شد مجبور بود تا از فرمان های احمد ولی خان اطاعت نماید. "همین نارضایتی موجب شد تا گل آقا ارادهٔ کاندید شدن در انتخابات ریاست جمهوری در برابر حامدکرزی را نماید اما سران اقوام قندهار با تشویق احمد ولی خان، مانع گل آقاشیرزی از کاندید شدن گردیدند که کار به تفاهم انجامید و البته حفظ سهم بارکزائی ها در حکومت داری قندهار بخشی از این تفاهم بود".

بعد از کنار رفتن حاجی گل آقا، پوپلزائی ها در حکومت داری قندهار سهم بیشتری یافتند به حدی که اکنون حکومت داری میان پوپلزی و بارکزی تقسیم شده است. در این اواخر عده ای از بزرگان قندهار از حامد کزی تقاضا کرده بودند که احمد ولی را رسما والی قندهار مقرر نماید زیرا در عمل قدرت اجرائی در دست اوست و والی فقط مجری دستورات احمد ولی خان است. اما مرگ این فرصت را از احمد ولی خان گرفت.

احمد ولی خان کرزی به مردی قدرتمند در جنوب غرب افغانستان مبدل شده بود و این مسئله می توانست وی را در برابر دشمنان زیادی قرار دهد. کسانی که فعالیت های احمدولی در بخش اقتصادی برای آنان ایجاد محدویت کرده بود زیرا عقد قرار داد های بزرگ با خارجی ها بدون پا درمیانی وی ممکن نبود. پس عوامل اقتصادی هم می تواند در این ماجرا دارای نقش باشد.

امریکائی ها بارها احمد ولی را به قاچاق مواد مخدر متهم کرده بودند و از او به عنوان کسی که یک لشکر شخصی متشکل از هزاران فرد مسلح دارد نام برده بودند. امریکائی ها از حامدکرزی خواسته بودند تا برادرش را از قندهار بیرون نماید. لااقل در یک مورد حتی تقاضایی به خارج فرستادن وی را نمودند اما سازمان سیا به دفاع از وی پرداخت و گفت که، اطلاعات احمد ولی در سرکوب طالبان مسلح برای ما مفید بوده است. بنابراین موجودیت چنین شخص قدرتمندی در حوزهٔ نفوذ سازمان های اطلاعاتی بین المللی هم می توانست برایش خطر آفرین باشد. لازم به تذکر است که احمد ولی در مصاحبه با رسانه ها ضمن رد این گونه اتهامات و گرفتن پول از سیا گفته بود که، رئیس جمهور به من ماهانه پول می دهد و من نمیدانم که وی این پول را از کجا به دست می آورد.

در مراسم به خاک سپاری احمد ولی خان کرزی، برادرش رئیس جمهور، دستار رهبری قوم پوپلزی را بر سر برادر بزرگتر احمد ولی یعنی شاه ولی گذاشت. اما سوال اینست که شاه ولی خان تا کدام حد از توان رهبری قوم و حفظ تعادل میان اقوام در این منطقهٔ حساس از افغانستان برخوردار خواهد بود؟

احمدولی توانسته بود رهبری قوم پوپلزی را بر اقوام دیگر را تاحدی مسجل نماید و این کار با دادن امتیاز به رهبران قومی و گاهی با تهدید و ارعاب ممکن شده بود اما این گونه برخورد، نیازمند تجربهٔ فراوان و شناخت دقیق از افراد است. موفق ترین رهبر قبیله در جنوب کسی است که در کنار اینکه از قدرت مالی و نظامی برخوردار است، باید مشت آهنین خود را در دستکش ابریشمین پنهان نماید و در عین حال باید روانشناس هم باشد. آیا جانشین وی هم چنین امتیازاتی را داراست؟

با کشته شدن احمد ولی خان، حامدکرزی قدرتمند ترین حامی قدرت خود را از دست داد به عبارهٔ دیگر پایهٔ قدرتش در منطقه ای که زادگاهش بود، به شدت آسیب دید. این ماجرا روی سیاست های حامد کرزی در حکومت تاثیر خواهد گذاشت و احساس تنهائی در مقابله با بحران، شاید وی را به تجدید نظر در بعضی از سیاست هایش وادارد.

تاثیر این قتل بر قندهار نیز می تواند موجب نگرانی باشد. مردی قدرتمند که از تمام جریانات قندهار مطلع بود و با امکاناتی که در اختیار داشت می توانست با همکاری با نیروهای خارجی در تامین امنیت این منطقه نقش موثر ایفا نماید، اکنون کشته شده است. بسیار احتمال دارد از خلائی که با مرگ وی ایجاد شده، طالبان سود ببرند.

نبود احمد ولی خان می تواند روی حکومت داری در قندهار نیز تاثیر بگذارد و از این به بعد والی ها با استقلالیت بیشتر در قندهار عمل نمایند اما با توجه به این حقیقت که والی های فرستاده شده از جانب حکومت در ولایات اکثراً از کارائی لازم برخوردار نیستند، عملکردهای مستقلانهٔ والی ای با این قماش در قندهار می تواند پیامد های منفی در قبال داشته باشد.

د هیواد امنیتی ارګانونوته ...

له افغانستان څخه وباسي. او درې ورځې مخکې د فرانسې ولسمشر سرکوزی هم د افغانستان څخه د لیدنې پر مهال اعلان وکړ چې د ۲۰۱۲ میلادي کال تر پایه به خپل زرتنه پوځیان له افغانستان څخه وباسي. خو د امریکا درې تنو سناتورانو چې د جمهوری غوښتنکونو د ګوند مخکښ سناتور جان مکین هم پکې شامل وو له افغانستان څخه د بهرنیو ځواکونو د وتلو په زمانی جدول بیا خپلې اندیښنې څرګندې کړې دي او ویلي یې دي چې لدې سره به نړیواله ټولنه خپلې لاسته راوړنې بیرته له لاسه ورکړي؛ د نوموړي په اند له افغانستان څخه پدې سرعت سره د امریکایي ځواکونو وتل د افغانانو روحیه ضعیفوي او د ترهګرو په فعالیتونو کې د پیاوړتیا لامل ګرځي.

ددغو سناتورانو هر یو: جان مکین، جوليبرمن او ګراهام په اند به افغانستان بیرته د نوي یمي لسیزې حالت ته ور وګرځي او همدغه اندیښنې د چین او روسیې هیوادونو (چې په افغانستان کې د امریکایي ځواکونو د دایمي حضور سره مخالف دي) هم څرګندې کړیدي.

خو هغوی چې له هیواد څخه د بهرنیو ځواکونو د ژر وتلو پلویان دي او پدې اند دي چې د روانې جګړې اصلی لامل همدا بهرني ځواکونه دي. نو چې څومره ژر کیداې باید له افغانستان څخه ووځي خو د دولت د مخالفینو په وړاندې د جګړې دلیل له منځه ولاړشي او د جګړې پر ځاې د سولې په طرح باندې ډیر کار وشي. او د افغانستان د ستونزې حل نور د جګړې او زور له لیارې ممکن ندی تر هغه چې د مذاکرې لیار غوره نشي، خو دا هم پدې پورې تړلې ده چې د امریکا، انګلستان او آلمان هیوادونو چې هر یو د افغانستان د دولت د مخالف لورې سره مذاکرات انجام کړي دي تر کومه ځایه مطمئن دي، چې طالبان به یو داسې حل ومنی چې د افغانستان د دولت سره ګډ حکومت جوړ کړي؟!

یعنی د بهرنیو ځواکونو د وتلو په پیل سره، چې ځایونه او دندې به یې افغان امنیتي ارګانونو ته سپارلی کیږي، د ستونزې د سیاسي حل په لورې څومره وړاندې تګ شوی دی؛ خو د بُن دویم کنفرانس په ریښتوني معنا د افغانستان د ستونزی د حل کیلي وګرځي. همدارنګه د سرطان د پنځه ویشتمې نیټې څخه د سروبي ولسوالۍ پرته د کابل په ګډون د هرات، مزار، بامیان او ... اوه ولایتونو څخه د بهرنیو ځواکونو د وتلو طرح پداسې وخت کې عملي کیدل چې د هیواد دننه د دولت دریګوني قواوې یو له بل سره په ښکر جنګۍ کې بوختې دي او له بلې خوا د پاکستان د دولت لخوا د هیواد په ختیځو ولایتونو لکه کنړ، ننګرهار، پکتیا او خوست باندې له یوې میاشتې راهیسې راکټې او توغندي بریدونه کیږي او هم د هیواد دننه د امنیتي وضعی حالت مو دادی چې د ولسمشر کرزی ورور د کندهار د ولایتی شورا مشر احمد ولی کرزی د خپل یو ملګری په لاس په شهادت رسیږي او بیا د فاتحې په دیني مراسمو کې هم داسې چاودنه رامینځته کیږي چې تلفات یې د علماو د شورا رئیس او د جوماتت د خطیب په ګډون پنځه تنه شهیدان او دیارلس نور ملکي وګړي ټپیان ګرځي. او له دې پیښې څخه مخکې هم د دولت نور مهم قوماندانان د طالبانو او مخالفینو تارګټ ګرځیدلي وه. او تردې چې د فرانسې د ولسمشر سرکوزی افغانستان ته له سفر څخه یوه ورځ وروسته د چهارشنبې په ورځ د کاپیسا ولایت په تګاب سیمه کې فرانسوي ځواکونه د دولت د مخالفینو د حملې لاندې راغلل چې پنځه تنه یې د یو ملکي افغان په ګډون مړه او څلور نور یې ټپیان شول او هم پدې ورځ یو ایتالیاوي سرتیری په هرات کې، او د ناټو دوه نور سرتیری بیا د هیواد په جنوب کې د دولت د مخالفینو تارګټ وګرځیدل. دغه پیښې په ګوته کوي چې د افغان دولت حاکمیت نور کمزوری شوی او بهرني ځواکونه هم نور خپل خیر پدې کېویني چې د سولې او د مذاکرې د میز تر شا د خبرې سیاسي حل ولټول شي. خو هغه څه چې د سیاسي حل لپاره اړین دي هغه دادي چې دسولې په لیار کې هر پرمختګ باید د سولې د شورا په شمول د سوله خوښو ارګانونو او شخصیتونو په اعتماد کې اخستلو سره صورت ونیسي، داسې نشي چې د بُن دویم کنفرانس هم د لومړي کنفرانس په څیر یو ځل بیا نیمګړې او د یو لوری برلاسي پکې اوسي. او هم باید نړیواله ټولنه دا درک کړي چې که څمونږ امنیتي ځواکونه دوی پیاوړې نکړي نو ټولې خوارۍ به یې په اوبو لاهو شي لکه چې څو ورځې وړاندې د ملی دفاع د ۲۰۳ لمبر تندر تعلیمي مرکز څخه د ۶۰۲ تنو پوځیانو د فراغت پر مهال تربیت لاسته راوړونکو پوځیانو یوې رسنۍ ته په خپلو مرکو کې وویلي چې امریکایي ځواکونه باید له هیواد څخه د وتلو پر مهال خپلې درنې اوسپکې وسلې افغان پوځ ته پریږدي؛ ځکه افغان امنیتي ځواکونه که څه هم د کمیت له مخې به یې شمیره یو څه اندازې ته رسیدلې وی خو د کیفیت او تجهیزاتو له مخې لا نور هم ډیرې پیاوړتیا او سمبالتیا ته اړتیا لري.

افزایش نفوس درجهان و افغانستان

عبدالعلی کوهی/استاد دانشگاه کابل



پیامد ها – چالش ها

آری هوکمن نمایندهٔ بخش نفوس سازمان ملل متحد درافغانستان دریک نشست خبری اظهار داشت: که درجهان ۷ میلیارد نفوس وجود دارد و یک میلیارد آن در زیر خط فقر قرار دارند. به گفتهٔ این نمایند ه، امروز درجهان به ویژه کشورهای کمتر رشد یافته، تناسب میان کمیت نفوس و خدمات اجتماعی وجود ندارد. کشورهای آسیایی و افریقایی در نبود یک هماهنگی به سر می برند.

افزایش بی رویهٔ نفوس درزمینه های مختلف، این کشورها را درخود فروبرده است. به گزارش این نماینده از سال ۱۹۶۸ بدینسو نفوس جهان دو برابر شده است و این افزایش در کشورهای کمتر انکشاف یافته بیشتر محسوس می باشد که افغانستان درخط مقدم این افزایش قرار دارد. فعالیت های سال اخیر سازمان ها ی بین المللی مانند: یونیسف سازمان های حمایت از طفل مادر، برنامه های واکسیناسیون، وقایهٔ اطفال وغیره کمک ها توانسته است اطفال ونوزادان را از خطر امراض مهلک و کشنده نجات دهد. اما چیزی که دراین نبرد ظرف دهه های اخیر درجهان به ویژه کشورهای کمتر رشد یافته وجود داشته است جلوگیری از زاد ولد بی رویه در میان اقشار و لایه های فقیر جامعه درجهان می باشد. یکچنین هماهنگی و تناسب میان زاد ولد وجود نداشته است.

ممکن است درجلوگیری از تولیدات بی موقع و دور از انتظار وجود یک سلسله عادات و تفسیرهای نادرست از نصوص دینی و فرهنگی جامعه نقش داشته باشد. پیش از آنکه به جلوگیری از نفوس پرداخته شود باید فرهنگ این جلوگیری درمیان خا نواده ها ولایه های جامعه به وجود اید و مردم به یک درک درست از این جلوگیری برسند. هر قدر دراین کشورها وضع فلاکت بار فقر عمری طولانی پیدا کند و جنگ و ناآرامی حیات صلح آمیز مردم را تهدید نماید پدیدهٔ ازدیاد نفوس به یک چالش بزرگ تبدیل خواهد گردید.

اگر وضعیت بدین منوال درکشورهای کمتر رشد یافته ادامه یابد وخشونت های قومی درمیان این کشورها ادامه پیدا نماید. بدون شک این کشورها شاهد چشم گیری نفوس در کشورهای شان خواهند بود که نتائج و پیامدهای ناگوار ان نبود یک هماهنگی میان این مقدار نفوس و خدمات اجتماعی و اقتصادی خواهد بود. باید میان نفوس وبرنامه های اقتصادی یک نوع هماهنگی و تناسب وجود داشته باشد. هر نوع پراگندگی میان تکثر نفوس و برنامه های اقتصادی از چالش های بزرگ این کشورها در آینده های نه چندان دور خواهد بود؛ زیرا این کشورها قادر نسیتند به تمامی شهروندان خود نیازمندی های لازم آموزشی، صحی، رفاهی و در فرجام سرپناه و اشتغال تدارک ببینند؛ درحالی که همه ساله بر تخریب محیط زیست افزوده می شود و منابع تولید قادر نسیت برای این همه نفوس مواد غذایی مناسب تهیه نماید. ازدیاد نفوس در یک تناسب معکوس درحرکت است.

ازیک طرف منابع تولید و پیشرفت اقتصادی به حال خود ثابت باقی مانده و پیشرفت چندان درین زمینه وجود ندارد و این کشورها قادر نیستند تا سرمایه های کلان را در این راستا به کار اندازند تا منابع جدید تولیدی و اقتصادی در کشورشان به وجود آورند. ازسوی دیگر تراکم بدون شک شیرازهٔ زندگی این کشورها را با چالش های بیکاری، فقر، بیسوادی و پراگندگی درنظام خانواده ها به وجود خواهد آورد.

امروز بسیاری ازکشورها در فقر به سر می برند و فیصدی بزرگی شهروندان شان ازکمبود غذای مکفی، رفاه اجتماعی، اموزش و پرورش پیشرفته،اشتغال وسرپناه رنج می برند و تا امروز بحران اقتصادی یکی از موانع عمدهٔ کشورهای جهان سوم؛ به ویژه کشورهای کمتر رشد یافتهٔ جهان است که افغانستان در ردیف عمدهٔ این کشورها قرار دارد.

نخست باید گفت که آمار دقیق نفوس نظر به عوامل سیاسی، دینی و فرهنگی در کشور مشخص نسیت، هیچ وقت و در هیچ زمان حکومات نخواسته است و یا نتوانسته است تا معیار نزدیک به حقیقت را ازتعداد نفوس افغانستان به مردم ارائه نماید وهیچ وقت تصمیم حکومت در مورد سرشماری نفوس صادقانه نبوده است. زیرا حکومت ها می خواستند که نفوس اقوام در یک سردرگمی باقی بماند.

در آمار تخمینی جدید نفوس افغانستان چیزی بالا تر از بیست و شش میلیون تخمین زده شده است که هیچگاه به واقعیت نزدیک نمی باشد. بسیاری به این باورند که نفوس افغانستان امروز از مرز ۳۵ میلیون گذشته است ومسئولان ادارهٔ آمار افغانستان این تخمین را بر اساس یک قیاس غیرمنطقی ارائه داشته اند.

باید گفت که بیشترین تعداد ساکنان کشور در دهات و ولایات زندگی می کنند که پیشهٔ اصلی آنها زراعت و دامداری می باشد. هر قدردامنهٔ جنگ و ناامنی در کشور بیشتر گردد مردم به سوی شهرهای بزرگ رو می آورند؛ طوری که ما شاهد تراکم نفوس درشهرهای بزرگ چون: کابل مزارشریف، هرات و جلال آباد می باشیم که از بد حادثه مردم دهات آشیان های گرم خود را ترک می نمایند و به سوی شهرهای بزرگ رو می آورند.

باید گفت که، بیشترین عودت کنندگان کشورهای همسایه، زندگی را در شهر ها نسبت به دهات ترجیح می دهند تا از خدمات شهری سیستم آموزش و پرورش جدید در شهرها استفاده کنند. به هر صورت زندگی در افغانستان دریک ابهام قرار دارد.

به هر تقدیر، زندگی در کشور بستگی به ارقام نفوس و طرح های انسانی ان دارد. این یک اصل منطقی است که نظر به تراکم نفوس باید برنامه های آموزشی، رفاهی، اشتغال و سائر نیازمندی های کشور در نظرگرفته شود.

امروز در افغانستان بسیاری از برنامه های انکشافی بدون کمک های جامعه جهانی به موانع جدی مواجه می باشند؛ طوری که زراعت افغانستان چندان پیشرفتی نداشته است. نظر به تراکم نفوس ایجاب می نماید که نه تنها زراعت پیشرفته و مدرنیزه شود؛ بلکه منابع جدید زراعتی و مناطق جدید تحت کنترول درآید تا موا د بیشتر زراعتی در کشور تولید گردد.

بدون یک هماهنگی و توازن نمی توان جلو بحران اقتصادی درکشور را گرفت. قبل از همه لازم است که تا وزارت های ذیربط مانند، صحت، معارف، حج و اوقاف و زراعت و سایر وزارت های سکتوری پیرامون جلوگیری از افزایش بی رویهٔ نفوس به یک نتیجه برسند و راه های جلوگیری از آن را مورد بررسی قرار دهند. زیرا افغانستان یک محافظه کار و تقدیر گراست و در برابر هرنوع برنامه های اصلاحی از خود مقاومت شدید نشان می دهد و در برابر جلوگیری از تکثر نفوس بدون شک در ولایت های کشور مقاومت به وجود خواهد آمد و این ها و چالش های دیگری در کشور وجود دارد که به احتمال قوی هر سال به تعد اد این نفوس افزوده خواهد شد.

مشکل دیگر ازیاد نفوس ازدواج ها ی قبل از وقت و نبود مراکز صحی و دوکتوران زن در ولایات است تا آنها بتوانند برنامه های وقفه در ولادت ها را تطبیق نمایند. در کشوری که قیمت زمین و مسکن بالاتر از امریکا و اروپا است اشتغال کار به یک افسانهٔ قرن تبدیل گردیده است. یک چنین ازدیاد نفوس بدون شک دشواری هایی را در آینده برای مردم به وجود خواهد آورد زندگی در سکون و آرامش آن مفهوم پیدا می نماید. اسلام همه چیز را در حد اعتدال توصیه می کند و انچه از حد قسط واعتدال تجاوزنماید، نه تنها شیرازه و همبستگی زندگی را برهم می زند بلکه، به یکی از دشواری های زیست محیطی و رفاه اجتماعی، کمبود مواد غذای، مسکن و آموزش و پرورش در کشور منجر خواهد گردید.

امروز میلیون ها انسان از کشورهای همسایه انتظار ورود به کشور را دارند و بر دولت است که برای این همه خدمات اجتماعی تدارک ببیند واین معضلی است که حکومت بدان مواجه خواهد شد. درغیر آن افغانستان در پراگندگی زیست محیطی، در آینده مواجه خواهد گردید

پاکستان د بیلا بیلو گوابښونو...

څو کاله وړاندې د نواز شریف د صدر اعظمی پر مهال د هندي مهاجرینو د قومي اتحاد لخوا د ګډوډیو او ترورګولو د یو منظم پلان له مخې ترسره کیدي او دغه تحریك هغه وخت په کراچی کې د تروركولو او د خپلو مخالفینو د بندي ساتلو لپاره پټ پټ مرکزونه جوړ کړي وو چې د نواز شریف د واکمنی پر مهال بیا کشف شو او په تروركولو او وژنو کې ددغه ګوند د قیادت د ککړتیا لامله الطاف حسین هم انګلستان ته پناه یووړه چې لاتر اوسه همغلته اوسیږي.

همدارنګه د پاکستان نورې سیمې هم که د نا امنیو له ګیو پیښو سره مخ دي او تیره دوشنبه یکې د خیبر پښتونخواه د آیالت په بټګرام سیمه کې د بریښنا د دفتر مخې ته د یوې چاودنې لامله هم دولس تنه ټپیان شوی او شپږ تنه مړه شوي وو؛ په قبایلی سیمو کې د پر مخ وړونکو عملیاتو لپاره نږدې د اتیا زره پوځیانو سمبالول هم ورته نور مشکل شوي دي؛ ځکه د افغانستان او پاکستان په ګډه پوله کې د ترهګرۍ(؟) پر خلاف ددغه هیواد ځای پر ځای شوو پوځونو لپاره د امریکا متحده آیالاتو اته سوه میلیارده ډالره مرسته ورکوله او د امریکا هیواد دغه مرسته وروسته له هغې وځنډوله چې د پاکستان دولت له خپل هیواد څخه د امریکایې پوځونو د ویستلو او د دوی له هوایې هډو څخه د الوتکو د نه پاڅیدلو پریکړه وکړه چې لامله یې هغه تازه دم امریکایې پوځیان هم اوس پاکستان ته نشي راتللی چې لادمخه یې دغه هیواد ته د تګ لپاره تیاری نیولي وې. نږدې یوه نیمې میاشت وړاندې د امریکایې ځانګړو پوځونو لخوا د پاکستان د ایبټ آباد په سیمه کې د اسامه بن لادن د وژلو وروسته د دواړو هیوادونو په اړیکو کې ځروالی ځکه رامینځته شو چې ورسره د پاکستان اعتبار په بهرنۍ نړۍ کې خراب شو او په خواب کې د پاکستان دولت نور له خپل هیواد څخه د امریکایې وګړو او پوځیانو د ویستلو پریکړه وکړه. امریکا ددې انتظار درلوده چې ښایې د پاکستان دولت به پخپله دې پریکړه غور وکړي خو کله چې مایوسه شوه نو اوس د امریکا دولت هم د اته سوو میلیاردو ډالرو له مرستې څخه دریمه برخه چې (۷.۲) ملیارده ډالره کیږي وځنډوله؛ چې دغه د پاکستان دولت لپاره یو بل ګواښ دی، او د پاکستان صدر اعظم یوسف رضاء ګیلانی د امریکا پدې دریځ باندې خپل خپګان هم څرګند کړی دی.

که څه هم د پاکستانی پوځ ویاند جنرال اطهر عباس وایې چې د امریکا لخوا د مرستې د ځنډولو دغه پریکړه به د ترهګرۍ پر خلاف عملیاتو باندې آغیز ونکړي خو ددغه هیواد د ملي دفاع وزیر احمد مختار بیا په خپله یوه څرګندونه کې ویلې چې امریکا باید دغه مرسته ونه ځنډوي؛ ځکه که څه هم په قبایلي سیمو کې د تروریستانو پر خلاف روانه جګړه د پاکستان خپله جګړه ده خو دده په وینا تولنه نړۍ ورڅخه خوند اخلي او ګټه پورته کوي. چې د همدې مقصد لپاره د پاکستان د استخباراتو مسوول جنرال پاشا هم امریکې ته د یوې ورځې لپاره په سفر ولاړ، څو د امریکایې مقاماتو سره پدې هکله له نږدې څخه وغږیږي.

دا پداسې حال کې ده چې د پاکستان او امریکایې امنیتي خواکونو د مشرانو ترمینځه پدې هکله یو ورځ وړاندې خبرې هم شوی دی؛ او د پاکستان ځینو دولتي مسوولینو دا تاثر هم ورکړي که چیرې د امریکا حکومت له پاکستان سره دغه مرسته وځنډوي نو دوی به هم خپل یوه برخه پوځونه له قبایلي سیمو څخه وباسي چې د پاکستان دا دریځ په حقیقت کې په امریکا باندې فشار راوړل دي چې خپلو مرستو ته ادامه ورکړي.

خو چې تر کومه څرګندیږي نو ښایې د دواړو هیوادونو ترمینځه بې باورې دې ته ورسیږي چې پاکستان د ترهګرۍ(؟) پر خلاف روانه جګړه کې له چین څخه د مرستې غوښتونکې شي؛ ځکه ترهګرۍ (؟) اوس پاکستان هم له ستونی نیولی دی او اوس ورته ګرانه ده چې دغه جګړه خپل منطقي انجام ته له رسیدلو وړاندې پریږدي.

اندیشه

پروندهٔ انتخابات نه تنها بسته نشد، بلکه صفحه ای نو باز نمود

هفتهٔ گذشته مجلس نمایندگان بار دیگر بر سر موضع قبلی خود تأکید نموده خواهان برکناری دادستان کل و شش عضو دادگاه عالی از مسند شان شدند. این تصمیم مجلس نمایندگان در حالی یک بار دیگر تکرار گردید که روابط میان قوه های سه گانهٔ کشور در اوج تنش رسیده است.

با پیش کش نمودن طرح شش ماده یی کمیسیون انتخابات به ریاست جمهوری انتظار می رفت اختلافات موجود راه حل قانونی به خود بگیرد. اما با ایجاد کمیته کاری بر سر مسایل تنش های انتخاباتی از سوی رئیس جمهور و ارجاع پرونده به محکمهٔ استیناف بر ادامهٔ این تنش ها افزوده شد و جنجال ها یک بار دیگر داغ تر گردید.

نشست روز دوشنبهٔ رئیس جمهور با رئیس کمیسیون انتخابات نیز بی نتیجه پایان یافت و هر دو طرف بر سر موضع خود تأکید کردند.گزارش ها حاکی از آن است میان هر دو طرف مشاجرهٔ لفظی نیز صورت گرفته است. حامدکرزی رئیس جمهور، رئیس کمیسیون انتخابات را متهم به زور گویی نموده و گفته است که پیامد سرکشی هایت را خواهید دید. در مقابل آقای معنوی به وی گفته است که حاضرم به زندان بروم و لی قانون را زیر پا نمی کنم.

بعد از این ملاقات، کمیسیون انتخابات تمام پرونده های انتخاباتی را که لوی سارنوالی به آن کمیسیون فرستاده بود، دو باره به مقام لوی سارنوالی مسترد نموده است.

چندی پیش لوی سارنوالی نتایج فیصله های محکمهٔ خاص را به کمیسیون مستقل انتخابات ارسال نموده و از آنان خواسته بود، مطابق طرزالعمل، نمایندگان برنده را به ولسی جرگه معرفی نماید. از دید کمیسیون مستقل انتخابات نتایج انتخابات نهایی بوده هر نوع تغییرات در نتایج انتخابات منتفی می باشد.

ولسی جرگهٔ افغانستان نامه ای را به (آی پی یو) اتحادیه بین الپارلمانی فرستاده و از آن خواسته است، تا در مورد مشکل به وجود آمده به افغانستان کمک نماید. چندی پیش نیز در نامهٔ مشابهی از سر منشی سازمان ملل متحد آقای(بانکی مون) خواسته شده بود که در مورد بحران به وجود آمده بین قوه های سه گانه افغانستان مداخله نموده و موضوع را حل و فصل نماید.

واقف حکیمی یک تن از کاندیدان معترض و عضو انجمن وکلای مدافع افغانستان در مورد می گوید، حکم محکمهٔ ابتدائیه برمبنای مستندات قوی استوار است و در دورهٔ استیناف خواهی از قطعیت حکم برخوردار می گردد.

اقای حکیمی اضافه کرد، استرداد پرونده های حقوقی انتخابات از سوی کمیسیون، به لوی سارنوالی نوعی تمرد از قانون بوده و مراجع عدلی و قضایی در مورد اقدام خواهند نمود و موضوع به کاندیدان معترض ربطی ندارد.

فوزیه کوفی نماینده مردم ولایت بدخشان در مجلس نمایندگان در مورد حکم محکمهٔ ابتدائیه و ارجاع آن به استیناف می گوید: هر وکیل نمایندگی از مردم می کند و عزل و نصب وکیل بستگی بر ارادهٔ مردم دارد، نه حکومت و نهادهای عدلی، قضایی.

وی اضافه کرد، در صورتی که موارد اتهام مشخص شود و ثابت گردد که کسی و یا کسانی از نمایندگان ملت در شورای ملی مرتکب تخطی های انتخاباتی شده اند، درآن صورت به حکم مراجع ذی صلاح امتیازات معنوی آنان که عبارت از نمایندگی کردن در خانه ملت است، به حالت تعلیق در می آید و یا هم از وظیفه عزل می گردد.

بحران داخلی میان قوه های سه گانهٔ کشور در حالی به اوج رسیده است که با گذشت هر روز وضعیت امنیتی در کشور وخیم تر می شود. حملهٔ اخیر برجان برادر رئیس جمهور در داخل منزلش بیانگر آن است که دیگر هیچ جایی مصئون نمانده و آب از سر بالا پریده است.

انتخابات دور دوم ولسی جرگه که به تاریخ ۲۷ سنبلهٔ سال ۱۳۸۹ برگزار شد و نتایج آن در ۳ جدی همان سال، از سوی کمیسیون مستقل انتخابات اعلام گردید.

اما لوی سارنوالی، این نتایج را بنا بر اعتراض کاندیدای معترض غیر مشروع خواند. محکمهٔ اختصاصی جهت رسیدگی به این موضوع در اوایل برج جدی سال گذشته، براساس درخواست ستره محکمه و منظوری رئیس جمهور، غرض بررسی تقلبات در انتخابات ولسی جرگه ایجاد نمود.

دادگاه ویژه به تاریخ ۲ سرطان ۶۲ تن از نامزدان معترض را برنده اعلام نمود و از کمیسیون انتخابات خواست تا آنان را مطابق طرزالعمل به مجلس نمایندگان معرفی نماید.

با تشدید بحران کمیته کاری برای حل اختلافات از سوی رئیس جمهور تشکیل شد و این کمیته حکم محکمهٔ ابتدائیه را نهایی ندانسته دعوی را به استیناف ارجاع نمود. اما تاهنوز معلوم نیست که در مرحلهٔ فرجام خواهی از سوی این دادگاه وزنهٔ حکم به کدام طرف سنگینی می نماید.

دموکراسی داوودخان...

تشکیل احزاب سیاسی از اساسات نظام بود.

۱- ممنوعیت حضور افراد خانوادهٔ سلطنتی در حکومت به حیث صدراعظم، وزیر، قضا و وکیل پارلمان، ثبت در قانون اساسی بود.

۲- پادشاه غیر مسؤول و واجب الاحترام بود ولی فردی را به حیث صدراعظم توظیف می کرد و او تا زمان اخذ رای اعتماد از ولسی جرگه، صدراعظم مؤظف خوانده می شد و پس از رای وکلاء به حیث صدراعظم ایفای وظیفه می نمود.

۳- رأی تمام وکلاء در جلسهٔ علنی از رادیو شنیده می شد و مردم نظرات موافقین و مخالفین را می شنیدند و قضاوت می کردند.

۴- روزنامه های آزادی موجود بود و نظرات مخالف حکومت به کثرت در آن نشر می شد و کاریکاتور ها به چاپ می رسید.

۵- تظاهرات و اجتماعات صورت می گرفت و شعارهای ضدحکومتی داده می شد... ما در همان وقت نیز مخالف نظام شاهی بودیم و علیه آن نظام تظاهرات و اجتماعات داشتیم ولی بهر حال دارای خوبی های یاد شده بود، اما داوود خان:

۱- کودتای خائنانه و با اشتراک کمونیست ها صورت گرفت و راه دزدی قدرت سیاسی در تاریخ کشور باز شد...

۲- در ۲ سرطان ۱۳۵۲ رسم غصب قدرت سیاسی از راه زور و قدرت نظامی باز گردید و این رسم غلط و نابخشودنی را داوود خان آغاز کرد و تمام مصیبت های جایگاه جامعهٔ افغانی را سرآغاز شد.

۳- داوود خان پس از غصب قدرت، به حیث رئیس دولت، صدراعظم، وزیرخارجه، وزیر دفاع گردید و تمام قدرت سیاسی را در وجود خود جمع کرد! چه جمهوریتی که هنوز آنرا تایید می کنند!!

۴- برادرش سردار محمد نعیم که همه کاره بود ولی رسماً قدرت مشخصی نداشت و به حیث نمایندهٔ خاص به اینجا و آنجا سفرها می کرد!

۵- آزادی ها به کلی ممنوع بود و فقط چند اجتماع کوچک را کمونیست ها، پرچم و خلق به راه می انداختند و چند بار اعلامیه های علنی پخش می کردند و از اولین بهار جمهوریت! حرف می زدند!

۶- سلسلهٔ دستگیری ها و شخصیت های معروف و سیاسی کشور آغاز شد و انجنیر حبیب الرحمن شهید (محصل پولی تخنیک و منشی اول جمعیت اسلامی)، محمد هاشم میوندوال (صدراعظم سابق)، میر احمد شاه خان، صاحب منصب نامدار و ده ها و صدها فعال سیاسی مخالف کمونیسم، بازداشت و توسط کمونیست های ضد دموکراسی محاکمه شدند. این زندانیان در محابس شکنجه و تعذیب گردیدند و هیات ها هم از کمونیست ها بود، برخی از کمونیست های پرچمی ضد دموکراسی در کتاب های خود چون، « اردو و سیاست در سه دههٔ اخیر» حکایات محاکمهٔ دیوان حربی عسکری و تحقیق از زندانیان را با ذکر نام نوشته اند...

۷- چند وزیر معروف کمونیست و ضد دموکراسی چون، فیض محمد وزیر داخله و باختری و پژواک مقرر شدند و سلسلهٔ تقرر والی ها از پرچمی ها و مدیران معارف و مدیران لیسه ها آغاز گردید...

۸- اولین سفر به بزرگترین دشمن دموکراسی دنیا، یعنی شوروی صورت گرفت و دنیا یک بار دیگر لقب سردار سرخ را به او داد که به شوروی بسیار نزدیک و از غرب و دموکراسی بسیار دور است.

۹- از ده ها روزنامهٔ آزاد در رژیم گذشته، یک روزنامهٔ آزاد وجود نداشت و همه مصادره شد و فقط روزنامه های دولتی با مدح و ستایش داوودخان به نشر می رسید.

۱۰- احزاب و جریان های سیاسی همه ممنوع بود و فقط پرچمی ها و خلقی ها اعلامیه می دادند و از بهار اول و دوم جمهور یت سخن می گفتند... این بود گوشه های مرز استبداد، حکومت شخصی و یکنفری داوود دیکتاتوری، اختناق، تعذیب و شکنجه های او و یاران کمونیست او. و این بود داستان کوتاه دشمنی و خصومت دوامدار او با دموکراسی.

افزایش قیمت ها و نگرانی...

از سوی آنان کمک شده است، اما از این جمله صرف ۱۸،۸ میلیارد آن توسط دولت افغانستان و متباقی آن توسط کمک کنندگان مصرف گردیده است که این کار سبب شده است تا اقتصاد کشور به حالت پویایی و بهره وری نرسد.

با وجود که ده سال از حضور جامعهٔ جهانی می گذرد، افغانستان در بخش های مختلف به جای این که به جلو برود، در حالت برگشت به عقب است. اقتصاد مافیایی، وابستگی های اقتصادی و قرار گرفتن سرمایه های کلان باد آورده در دست قدرت مندان، فاصله های اجتماعی را با گذشت هر روز زیاد تر ساخته است.

هر چند مقامات دولت افغانستان از طرح های توسعهٔ اقتصاد ملی سخن می گویند، اما تا زمانی که طرح ها روی کاغذ باشد و جنبهٔ عملی به خود نگیرد، این گونه وعده ها ره به جای نه برده در زندگی مردمان عادی این جامعه تغییراتی به وجود نمی آید.

در حال حاضر شکایت های مردم از وضعیت بد اقتصادی مایوس کننده است. نرخ ها با گذشت هر روز در نوسان می باشد. هرچند سطح زندگی مردم نسبت به گذشته تغییر خورده و عاید سرانه بالا رفته است، اما در مقیاس تقاضاها، در آمد سرانه طبقه ای پایین جامعه از حالت بهینه توأم با بیمهٔ پایدار برخوردار نیست.

و قتی میزان درآمد در مطابقت با نرخ مواد اولیه در بازار نباشد، به نگرانی های بیشتر دامن میزند. سطح پایین درآمد، فقر و بی کاری کارد را به استخوان رسانده است. امروز اکثریت نا بسامانی های اجتماعی، مانند قتل، دزدی، رهزنی و مهاجرت به کشور های همسایه از همین ناحیه سر چشمه می گیرد.

مردم از حکومت می خواهند تا در دستر خوان شان تغییر بیاید، نان خشک که غذای معمولی هشتاد در صد مردم افغانستان است، حد اقل در ماه مبارک رمضان به کچالو و شُله تبدیل شود.

برخی از کار شناسان عرصهٔ اقتصاد بدین باور هستند که علت بلند رفتن قیمت ها در کشور برخاسته از روابط پرتنش میان حکومت افغانستان و بانک جهانی است. در همین حال برخی نمایندگان در مجلس نمایندگان گفته اند که وزارت های سه گانهٔ مالیه، تجارت و اقتصاد از اعتماد کامل و وحدت نظر بی بهره هستند و هر کدام از رشد اقتصادی در کشور تعریف جداگانه ای دارند.

اما وزیر مالیه این ادعا ها را رد می کند و می گوید افغانستان صرف در مورد موضوع کابل بانک در بخش ۷۳ میلیون دالر با بانک جهانی مشکل دارد. به اساس راپورهای منتشره، بانک جهانی ۷۰ میلیون دالر کمکی را که با افغانستان انجام می داد، به تاخیر انداخته و صدها میلیون دالر دیگر در بخش های مختلف نیز با خطر به تأخیر افتادن و یا هم مشروط به شرط مواجه است.

رابطهٔ اقتصادی نهادهای بین المللی بر سر مسئلهٔ کابل بانک در حالی با حکومت افغانستان در حالی به تعلیق درآمده است که در این اواخر رسانه ها به نقل از جلسهٔ علنی مجلس نمایندگان، خبر بحران مالی را در بانک خصوصی عزیزی نیز به نشر سپردند که مجلس نمایندگان امروز سرپرست د افغانستان بانک را جهت وضاحت موضوع عزیزی بانک به آن مجلس فراخوانده اند.

افزایش قمیت ها در بازار، بحران مالی و عدم اعتماد جامعهٔ جهانی نسبت به حکومت افغانستان در حالی بالا گرفته اسث که هفتهٔ گذشته، رئیس جمهور نشست اقتصادی را به منظور بهتر شدن او ضاع اقتصادی و اعتماد از دست رفته در ارگ ریاست جمهوری با حضور اندیشمندان عرصهٔ اقتصاد، استادان دانشکدهٔ اقتصاد راه اندازی نمود و در نهایت به همین منظور کمیسیون اقتصادی را تشکیل داد.

پرسشی که از همین اکنون مطرح است، این که آیا این کمیسیون می تواند در کنار سایر نهادهای ذیربط، از عهدهٔ مسایل بغرنجی که ریشه در منافع قدرت های مافیای داخلی، خارجی و نوسانات مرزی با کشورهای همسایه دارد برآید یا خیر؟ گذشت یک ماه به آن پاسخ خواهد گفت.

از سوی دیگر افزایش تنش میان قوه های سه گانهٔ کشور، بر سر قضیهٔ انتخابات پارلمانی که از شش ماه به این طرف ادامه دارد، در بالا رفتن قیمت ها، کاهش ارزش پول افغانی و بحران اجتماعی نقش اساسی دارد.

هفتة نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ پانزدهم ۲۵ سرطان ۱۳۹۰ ۱٤ شعبان المعظم ۱٤۳۲ – 16 July 2011

رفیق بحر

د هیواد امنیتي ارگانونو ته د دندو سپارل



د لزبون په کنفرانس کي پريکړه شوي وه چي نړيواله ټولنه او د ناټو ځواکونه به په نږدې راتلونکي کي د افغانستان په مختلفو سيمو کي امنيتي چارى د افغانستان خپلو امنتي ارگانونو ته سپاري. او د همدې پريکړې په رڼا کي بيا وروسته دا وټيله شوه چي د چنگابښ په مياشت کي به د کابل په گډون د هيواد په څو ولايتونو کي امنيتي دندې په عملى توگه د افغانستان خپلو امنيتي ارگانونو ته وسپارلى شي: يوه نيمه اونى وړاندې کورنيو ځواکونو ته د واك د لیږد او امنیتي چارو د سپارلو پروسي مسوول داکتر اشرف غنى احمدزي په يوه داسي غونډه کي (چي د هيواد د ځينو واليانو په گډون د امنيتي ارگانونو مسوولين هم پکي وو) دا پريکړه وکړه چي په لومړي قدم کي به له سروبي ولسوالی پرته د کابل ولايت په گډون په اوه ولايتونو کي امنيتي دندې له ناټو او ايساف ځواکونو څخه د افغانستان خپلو امنيتي ارگانونو ته انتقال شي او ددې کار د ترسره کولو نيټه يي د چنگابښ د مياشتي وروستی اونى په گوته کړې وه؛ چي لدې څخه مخکي هم داکتر اشرف غنى احمدزي او د امنيتي ارگانونو مسوولينو افغان ولس ته په خپلو څرگندونو کي ددې ډاډ ورکړي وو چي افغان امنيتي ځواکونو کولاې شي امنيتي دندې په خپله غاړه واخلي او له خپلې خاورې څخه د دفاع وړتيا لرونکى دي.

د افغان دولت لخوا دغه تصميم پداسي حال کي نيولى کيږي چي د چنگابښ د مياشتي په لومړى اونى کي د سه شنبې په شپه د امريکا ولسمشر «اوباما» اعلان وکړ چي د ۲۰۱۲ زيږديز کال تر پايه به دوى خپل ۳۳ زره ځواکونه له افغانستان څخه وباسي او له دې جملې څخه به لس زره پوځونه د ۲۰۱۱ زيږديز کال تر پايه ووځي. همدارنگه د انگلستان هيواد هم اعلان وکړ چي د ۲۰۱۲ زيږديز کال تر پايه به خپل اته سوه پوځونه

۵مخ

به گزارش سازمان ملل متحد

طی شش ماه گذشته تعداد تلفات ملکی در افغانستان به ۱۴۶۲ نفر رسیده است

یک گزارش تازهٔ سازمان ملل متحد نشان می دهد که شمار تلفات غیر نظامیان در افغانستان در ۶ ماه اول سال جاری میلادی نسبت به زمان مشابه سال گذشته ۱۵ درصد افزایش یافته است.

مقام های سازمان ملل متحد، به روز پنجشنبه در یک نشست خبری در کابل در مورد جزئیات این گزارش صحبت کردند.

این گزارش نشان می دهد که نزدیک به ۱۵۰۰ غیر نظامی در ۶ ماه اول سال جاری کشته شده اند.

در گزارش سازمان ملل متحد، مسؤولیت ۸۰ درصد این تلفات به مخالفان مسلح دولت افغانستان نسبت داده شده است.

ستیفن دیمستورا نمایندهٔ خاص سازمان ملل متحد برای افغانستان و جورجت کهنون مسؤول بخش حقوق بشر این سازمان، به روز پنجشنبه به هنگام پخش گزارش تازهٔ این سازمان گفتند که، در شش ماه اول سال جاری میلادی میزان تلفات غیر نظامیان در افغانستان در مقایسه به زمان مشابه پارسال ۱۵ درصد افزایش یافته است.

به گفتهٔ مقامات سازمان ملل، سی در صد تلفات غیر نظامیان در افغانستان ناشی از انفجار ماین ها می باشد.

بر اساس گزارش تازهٔ سازمان ملل متحد، در شش ماه اول امسال ۱۴۶۲ غیر نظامی در افغانستان کشته شده اند، که ۱۴ درصد این تلفات به نیروهای طرفدار حکومت افغانستان نسبت داده شده است.

اما مسؤولیت ۶ درصد دیگر این تلفات به دوش کدام گروه مشخص گذاشته نشده است.

در همین حال ستیفن دیمستورا نمایندهٔ خاص سازمان ملل متحد برای افغانستان از مخالفان دولت افغانستان می خواهد تا به خاطر فرا رسیدن ماه مبارک رمضان آتش بس کنند.

در این نشست مقام های سازمان ملل متحد از نیروهای بین المللی نیز خواستند تا به پیلوتان شان آموزش بدهند و از آنان بخواهند در هنگام استعمال بمب بر اهداف مخالفان از دقت کامل کار بگیرند.

افزایش تلفات ملکی در حالی بیشتر شده است که دولت افغانستان می خواهد، از طریق مذاکره به جنگ نقطهٔ پایان بگذارد و از مخالفان مسلح خواسته است به پای میز مذاکره حاضر شوند. اما در لحن و رفتار مخالفان در مورد مذاکره و صلح با دولت افغانستان هیچ تغییر فاحش رونما نشده و همواره در خروج نیروهای امنیتی از افغانستان تأکید دارند.

آقای کرزی رئیس جمهور کشور در مراسم تشییع برادرش در شهر قندهار، بار دیگر از طالبان خواست که به جنگ و برادر کشی خاتمه دهند.

نذرالله عنایت

افزایش قیمت ها و نگرانی مردم





با نزدیک شدن ماه مبارک رمضان نرخ مواد اولیه یک بار دیگر در بازار های کابل بلند رفته است. افزایش قیمت ها شهروندان افغانستان را نگران ساخته و از خود می پرسند، چگونه می توانند با عایدکم، عهده دار زندگی خانواده ها شوند؟.

در پیوند با افزایش قیمت ها هفتهٔ گذشته، مجلس نمایندگان، وزاری مالیه و اقتصاد را به مجلس فراخوا ند.

عمر زاخیلوال وزیر مالیه و عبدالهادی ارغندیوال وزیر اقتصاد عوامل عمدهٔ بلند رفتن قیم را در کشور مشکلات ترانزیتی باکشورهای همسایه، بلند رفتن قیمت ها در بازارهای جهانی و *اخاذی های مختلف از اموال تجارتی* در داخل کشور می دانند.

مقامات اقتصادی در اظهارات خود گفته اند که پاکستان اموال افغانستان را برای چند ماه در بندر کراچی نگهمیدارد، که با وارد شدن تکس بیشتر، بازرگانان مجبور اند، قیمت ها را بلند ببرند. گفته می شود که در حال حاضر در بندر کراچی و بعضی مناطق دیگر پاکستان، حدود ۵۰۰۰ کانتینر مواد تجار افغانستانی متوقف گردیده است. در نشست هفتهٔ پیش، مقامات اقتصادی کشور ، از موجودیت ترانزیت کالا با دیگر کشورهای همسایه مانند ایران و از بکستان نیز خبردادند.

از سوی دیگر مسوولان اعتراف نمودند تا زمانی که اقتصاد افغانستان از حالت مصرفی، به اقتصاد تولیدی مبدل نشود، مشکلات موجود دامنگیر مردم خواهد بود. عبدالهادی ارغندیوال وزیر اقتصاد کشور به این باور است که علت عمدهٔ در بلند رفتن قیمت ها نظام اقتصاد بازار آزاد است. وی معتقد است بازار آزاد زمانی عملی شده می تواند، که اقتصاد کشور به پای خود ایستاد شود و بخش عمده ای از بودجه عادی و انکشافی از منابع داخلی تأمین گردد.

آقای ارغندیوال رویکرد سرمایه گذاری را در پروژه های زیر بنای مانند راه سازی، سدسازی، توجه به انرژی، معدن و زراعت عامل تحکیم پایه های اقتصاد ملی می داند.

وزیر اقتصاد کشور با انتقاد از نحوهٔ کمک های کشورهای خارجی می گوید: طی ده سال گذشته ۵۷ میلیارد دالر

ص۷